

نظریه شرطی سازی کنشگر اسکینر

اسکینر کلیه رفتارها را به دو دسته کنشگر و پاسخگر تقسیم کرد

رفتار پاسخگر: رفتاری که بر اثر محرک پیشاینده از سوی ارگانیسم فرا خوانده می شود (همان رفتار پاسخگر پاولف)

رفتار کنشگر: رفتاری که صرفاً از جاندار صادر می شود

نکته اسکینر رفتار کنشگر را مستقل از تحریک نمی داند و محرک رفتار را ممکنه ناشناخته باشد

نکته رفتار کنشگر به وسیله پیامدهایش کنترل می شود رفتار کنشگر تقریباً همان رفتار وسیله ای ثرندایک است

تقویت مثبت: ارائه محرک خوشایند به دنبال رفتار مطلوبی که ارگانیسم انجام داده

تقویت منفی: حذف محرک های ناخوشایند به دنبال رفتار انجام شده (هر دو موجب افزایش رفتار)

تقویت منفی شامل: ۱) حذف محرک نامطلوب (یادگیری گریزی یا گریز آموزی)

۲) اجتناب از محرک نامطلوب (یادگیری اجتنابی)

تنبیه رفتار کنشگر: ضعیف شدن یا کاهش احتمال بروز یک رفتار بعد از ارائه تقویت کننده منفی یا محرک آزارنده به دنبال آن

نکته روشهای تنبیه: علاوه بر ارائه محرک آزارنده، روش جریمه کردن و محروم کردن

خاموشی رفتار کنشگر: اگر رفتاری را که با تقویت افزایش یافته برای مدتی تقویت نکنیم بتدریج از نیرومندی آن کاسته و سرانجام به کلی خاموش می گردد

بازگشت خودبه خودی رفتار شرطی کنشگر هم ممکنه مدتی بعد از خاموشی مجدداً ظاهر گردد اگر بعد از این بازگشت خودبه خودی اگر خاموشی ادامه یابد دوره خاموشی کامل فرامی رسد

تعمیم محرک: رفتاری که در حضور محرک تقویت شده در حضور محرک های مشابه از ارگانیسم سر می زند

تمیز محرک: پاسخ معین ارگانیسم به محرک خاص را تمیز

نکته در اصلاح تعمیم نابجا و نامناسب پاسخ از آموزش تفکیک پاسخ: تفکیک آموزی به کمک تقویت تفکیکی استفاده می گردد

کنترل محرکی: رفتار کنش گر برای مدتی در حضور یک محرک خاص تقویت شده یا خاموش گردد آن محرک به صورت محرک های تمیزی (S^D, S^Δ) کنترل رفتار را به عهده می گیرد به این کنترل کنترل محرکی گویند

محرک های پیشآیندی کنترل کننده ی رفتار را **محرک های تمیزی** گویند

امحرک ها تمیزی دو دسته: (۱) محرک هایی که نزدیک بودن تقویت را خبر می دهند

(۲) محرک هایی که عدم وقوع تقویت را آگاهی می دهند

نکته اسکینر: شخص در دادن پاسخ به محرک تمیزی بیش از دادن پاسخ به محرک فراخوان آزاد است

نظریه یادگیری گشتالت (سردسته نظریه های شناختی)

نظریه های رفتاری عموماً یادگیری تغییر در رفتار آشکار می دانند در مقابل نظریه های شناختی یادگیری را کسب و بازسازی ساختارهای شناختی که از طریق آن اطلاعات پردازش و در حافظه ذخیره می گردند نظریه های رفتاری بر نقش محیط در تغییر رفتار تأکید اما شناختیها بر نقش یادگیرنده تأکید دارند

واژه گشتالت: شکل، انگاره، طرح

گشتالت: کل از اجزای تشکیل دهنده آن بیشتر است - کل از اجزای تشکیل دهنده آن متفاوت می باشد

یادگیری: بینش - بینش حاصل از درک موقعیت یادگیری به عنوان یک کل یکپارچه آن هم از طریق کشف روابط میان اجزای تشکیل دهنده موقعیت یادگیری

نکته یادگیری در دیدگاه گشتالت یادگیری حل مسئله است

نظریه گشتالت بیشتر از این که یک نظریه یادگیری باشد یک نظریه ادراکی است

ویژگی های یادگیری از راه بینش: (۱) انتقال از مرحله ای پیش از مسئله به مرحله حل مسئله ناگهانی و کامل است

۲) عملکرد حاصل از حل مسأله از راه بینش معمولاً یک عملکرد هموار و خالی از اشتباه است

۳) راه‌حلی که از طریق بینش، به دست می‌آید تا تا زمان قابل توجهی حفظ می‌گردد

۴) راه‌حل بدست آمده از یک مسئله در مسائل مشابه دیگر به سادگی قابل کار بست است

قانون شباهت: مطالب مشابه و همگون بهتر از مطالب نا مشابه ادراک و یاد گرفته می‌شوند

قانون مجاورت: پدیده‌ها و امور نزدیک بهم به صورت یک کل یکپارچه ادراک و آموخته می‌گردند

قانون بستن (تکمیل) شکل‌های غیر کامل به صورت واحدهای کامل درک می‌شوند

قانون ادامه‌ی خوب، جهت مشترک، پیوستگی: سازمان ادراکی به نحوی تشکیل می‌شود که یک خط

مستقیم به صورت مستقیم و دایره به صورت دایره ادامه می‌یابد

قانون سادگی، سهولت: ما پدیده‌ها را به صورت ساده ادراک می‌کنیم

قانون شکل و زمینه: هر ادراکی خود را در شکلی سازمان می‌دهد که زمینه آن برجسته است

قانون طرح گرایی یا پراگناز (مهم‌ترین قانون گشتالت)

هر رویداد شناختی تمایل دارد که معنادار، ساده، کامل و به صورت یک کل یکپارچه تجربه و ادراک شود

نظریه یادگیری معناداری کلامی آزوبل

ساخت شناختی و تغییراتی که در اثر یادگیری بر ساخت شناختی صورت می‌گیرد اساس یادگیری است

ساخت شناختی به شکل یک هرم فرضی: کلی‌ترین مفاهیم در رأس هرم مفاهیمی که از کلیت و ماهیت کم‌تر

برخورد دارند در میانه، اطلاعات جزئی دانش و واقعیت‌های مشخص در قاعده هرم قرار دارند

معنی‌دار بودن یادگیری

معنی در یادگیری: معنی به وجود نوعی قرینه یا معادل ذهنی بر ای یادگیری‌ها در ساخت شناختی وابسته است

یادگیری معنادار: اگر یادگیرنده مطالب جدید را به مطالب قبلاً آموخته شده (ساخت شناختی) مربوط یا پیوند دهد یادگیری معنادار صورت گرفته

یادگیری معنادار مستلزم آن است که مطالب جدید رابطه **نظام‌مندی با آموخته های قبلی** داشته و به عبارتی مطالب قبلی را **گسترش یا تغییر** دهند

شمول: در یادگیری معنادار جذب مطالب جدید به مطالب قبلاً آموخته شده (ساخت شناختی) را شمول گویند

شمول آذوبل با **طر حواره** ، **نظام رمزگردانی** یا **مقوله‌ی** نظریه‌های دیگران هم‌معنا است

انواع شمول کننده: (۱) شمول کننده اشتقاقی (۲) شمول کننده همبستگی

شمول کننده اشتقاقی وقتی مطلب تازه مورد **بخصوصی** از مطالب موجود در ساخت شناختی است

مطلب تازه **مؤید و معرف** موضوع قبلاً آموخته شده باشد

مورد یادگیری **مثال مشخصی** از یک موضوع **جا افتاده** در ساخت شناختی باشد

شمول کننده همبستگی

مطلب تازه مورد **بخصوصی** از مطالب ساخت نباشد اما قابل ربط دادن به آنها باشد

مطلب جدید نوعی **گسترش**، **بسط**، **تغییر** و **تبدیل** مطالب قبلاً آموخته شده است

شمول زوالی: زوال هویت و استقلال مطلب یادگرفته شده بر اثر مرور و زمان

نقش شمول زوالی: (۱) **کاستن بار حافظه** (۲) **افزایش کارایی سازمان شناختی**

نکته درافزایش کیفیت آموزش، بهبود ساخت شناختی مد نظر است

عوامل بهبود ساخت شناختی: **سازمان**، **ثبات**، **روشنی**

تنها عامل مهمی که بر یادگیری بیشترین تأثیر را دارد همان آموخته‌های قبلی یادگیرنده (ساخت شناختی) است

آموزش: کوشش عمدی برای ایجاد ساخت مناسب برای معنی‌داری مطالب و کمک به یادگیری است

یکی از تدابیر بهبود ساخت شناختی استفاده از پیش سازمان دهنده‌ها است

پیش سازمان دهنده: مجموعه‌ای از مفاهیم مربوط به یادگیری که قبل از آموزش جزئیات تفصیلی آن مطلب در اختیار یادگیرنده قرار می‌گیرد

نقش پیش سازمان شامل: (۱) فراهم کردن مشمول کننده‌ها (۲) جلب توجه یادگیرنده به مفاهیم عمده

(۳) روابط میان مطالب را برجسته می‌سازد (۴) مطلب جدید را به مطلب قدیم ربط یا پیوند دهد

انواع پیش سازمان دهنده‌ها: (۱) سازمان دهنده توضیحی (نمایشی) (۲) پیش سازمان دهنده مقایسه‌ای

پیش سازمان دهنده توضیحی یا نمایشی: اندیشه‌های کلی و روابط آن‌ها با یکدیگر را توضیح می‌دهد

پیش سازمان دهنده مقایسه‌ای: بین آموخته‌های قبلی و جدید ارتباط برقرار کرده، دانش قبلی را فعال می‌کند

پیش سازمان دهنده‌ها آزوبل عموماً کلامی و نوشتاری اند

انگیزش و یادگیری معناداری

آزوبل: مهم‌ترین عامل انگیزشی برای یادگیری معنادار را سائق شناختی می‌داند

نکته سائق شناختی اکتسابی است و مبتنی بر تجارب است

رابطه سائق شناختی و یادگیری یک رابطه علت و معلولی دو طرفه است

آزوبل: در ایجاد انگیزش بر جنبه‌های شناختی یادگیری تأکید دارد نه بر جنبه‌های عاطفی آن

آزوبل بر تقویت و انگیزه درونی تأکید دارد در آموزش در جمله رو اصلاح می‌کنم عذاب در آموزش بر جنبه‌های

شناختی یادگیری باید تأکید کنیم نه بر جنبه‌های عاطفی آن

روش آموزش آزوبل، آموزش به روش سخنرانی است

نظریه یادگیری شناختی—اجتماعی بندورا

این نظریه را ابتدا نظریه یادگیری اجتماعی نامید بعدها به عنوان نظریه شناختی --- اجتماعی تغییر یافت

شبهات نظریه بندورا و نظریه های رفتاری: (۱) هر دو نظریه مفاهیم تقویت و تنبیه را مورد استفاده قرار می دهند
(۲) هر دو به وجود عوامل کنترل کننده رفتار باور دارند

تفاوت نظریه بندورا و رفتارگرایان: رفتارگرایان محرک های بیرونی را مهم ترین عامل کنترل کننده رفتار می دانند
بندورا هم محرک های محیطی و هم عوامل شناختی را در کنترل رفتار مؤثر می داند
در نظریه بندورا کنترل رفتار به صورت **یک الگوی سه عاملی به نام تعیین گری متقابل یا جبر متقابل** مطرح است

تعیین گری متقابل: تأثیر متقابل عوامل شخصی، محیط و رفتار بر یکدیگر را که تعیین کننده رفتار شامل می شود

یادگیری از راه مشاهده یادگیرنده از طریق مشاهده رفتار دیگران (الگو یا سرمشق) یاد می گیرد

تقویت جانشینی: با مشاهده رفتار فردی که برا انجام رفتارش پاداش یا تقویت دریافت می کند احتمال بروز رفتار افزایش می یابد

تنبیه جانشینی: با مشاهده رفتار فردی که با تنبیه مواجه می شود احتمال انجام رفتار کاهش می یابد

مراحل یادگیری مشاهده ای شامل (۱) مرحله توجه (۲) مرحله یادسپاری

(۳) مرحله باز آفرینی (۴) مرحله انگیزشی

در مرحله توجه عوامل مؤثر در توجه به الگو: (۱) ویژگی های خود الگو یا سرمشق (جذابیت، شهرت، شایستگی

(۲) ویژگی مطالب آموزشی (جذابیت تناسب قابلیت کاربردی مطالب)

(۳) ویژگی های یادگیرنده (استعداد آمادگی ادراکی و شناختی سطح برانگیختگی رجحان های اکتسابی)

مرحله ی به یادسپاری: دو رویداد مورد نیاز در یادگیری مشاهده ای: (۱) توجه به عملکرد سرمشق (مرحله توجه)

(۲) بازنمایی نمادی آن عملکرد در حافظه درازمدت

بازنمایی به دو صورت: بازنمایی تجسمی و بازنمایی کلامی

بازنمایی تجسمی: تجربیات حسی در ذهن ادراک می شوند براساس این ادراکات تصاویر ذهنی پایدار و قابل

بازبازی تولید می کنند

بازنمایی کلامی: عمدتاً رمزگردانی رویدادها کلامی است

مرحله بازآفرینی: آن چه از رمزهای کلامی یا تجسمی در مرحله قبل در حافظه ذخیره شده در این مرحله به صورت اعمال آشکار ظاهر می گردد

مرحله ای انگیزشی: بندورا: یادگیری طبق اصل مجاورت و نیازی به تقویت و پاداش ندارد

نکته بدان معنا نیست که تقویت در یادگیری بی تأثیر است بلکه در ایجاد یادگیری وجودش ضرورتی ندارد

نکته بندورا میان یادگیری و عملکرد تمایز قائل است در تبدیل یادگیری به عملکرد تقویت نقش دارد

نکته پیامدهای مثبت و منفی رفتار، عوامل برانگیزاننده عملکرد به حساب می آیند نه عوامل ایجادکننده یادگیری

یادگیری خود نظم دهی یا خود سامان دهی: فرد خودش اندیشه ها و افکار عواطف هیجانات اعمال و رفتار را تولید و هدایت می کند به منظور رسیدن به هدف

از برنامه های موفق در آموزش خود نظم دهی یا خود تنظیم گری: برنامه تغییر شناختی - رفتاری مدنظر است

در برنامه شناخت-رفتاری: مهارت های چهارگانه شامل: (۱) تعیین هدف (۲) نظارت شخصی

(۳) خود سنجی (۴) تقویت شخصی ۱

هم نظم دهی یا هم سامان دهی: یک فرآیند همپاری است که در آن معلم و شاگرد مشترکاً فعالیت تحصیلی را طراحی نظارت و ارزشیابی می کنند

عاملیت انسانی (نیروی انسانی) طراحی آگاهانه و اجرای عمدی اعمال از سوی فرد به منظور تأثیرگذاری بر رویدادهای آینده است

جنبه های اصلی عاملیت انسانی شامل (۱) عمدی بودن (۲) پیش اندیشی

(۳) خود واکنش سازی (۴) اندیشه ورزی

سؤال آیا تقلید و یادگیری مشاهده ای مترادف اند؟ بندورا این دو مفهوم را متمایز از هم می داند

نظریه خبرپردازی (پردازش اطلاعات) (نظام یاد)

نظریه خبرپردازی علاوه بر یادگیری، یادآوری فراموشی نیز توضیح می‌دهد

نکته این نظریه بر قسمت نسبتاً پایدار تعریف یادگیری تأکید دارد

نظریه یا الگوی سه مرحله‌ای اتکینسون و شیفرن

مرحله ثبت حسی: ابتدا محرک‌های محیطی یا تجربه‌های حسی برای مدت کوتاه (۱ تا ۳ ثانیه) عیناً در ثبت حسی ذخیره می‌گردند

حافظه کوتاه‌مدت اطلاعات مورد توجه و ادراک شده به صورت رمز دیداری کلامی معنایی برای (۱۵ تا ۳۰) در حافظه کوتاه‌مدت ذخیره می‌شوند

نکته مابقی اطلاعات با اطلاعات جدید جانشین و یا در اثر گذشت زمان از دست می‌روند

توجه یا دقت: تمرکز انتخابی بر روی بخشی از اطلاعات که به مخزن حسی وارد می‌شوند

ادراک: نسبت دادن معنی به اطلاعات حسی حافظه - تفسیر ذهنی محرک‌هاست

برای ماندگاری بیشتر اطلاعات از استراتژی یا راهبرد تکرار یا مرور ذهنی استفاده می‌گردد

ویژگی‌های حافظه کوتاه‌مدت: حافظه هوشیار آدمی است

حافظه فعال گویند دسترسی به اطلاعات فوری و راحت‌تر است حافظه کوتاه‌مدت بیشتر به صورت یک تدبیر ذهنی برای رفع نیازهای آنی عمل می‌کند

نکته فراموش شدن سریع اطلاعات از حافظه کوتاه‌مدت بسیار مفید است

نکته گنجایش اندک: گنجایش این حافظه ۷±۲ ماده اطلاعاتی

توانایی تقطیع: ظرفیت محدود حافظه را می‌توان به کمک سازمان دادن مطالب و تدابیر دیگر افزایش داد

حافظه درازمدت: حافظه تمامی عمر، برای انتقال اطلاعات از حافظه کوتاه مدت و بلندمدت به رمزهای دیداری کلامی معنایی درمی‌آید

اطلاعات در حافظه درازمدت م در ۳ حافظه: رویدادی، معنایی و حافظه روندی ذخیره می‌گردند

حافظه رویدادی شامل خاطرات ما و تجارب شخصی ماست.

حافظه معنایی در این حافظه معنا به صورت دانش بیانی یا اخباری ذخیره می‌گردد

اطلاعات موجود در حافظه معنایی به دو صورت : (۱) گزاره (۲) طرحواره (طرحواره صوری و طرحواره موضوعی)

حافظه‌ی روندی + (روشی) : حافظه مربوط به چگونگی انجام امور در این حافظه ظاهراً اطلاعات در یک رشته زوج محرک خط - پاسخ ذخیره می‌گردد

انواع دانش قابل ذخیره در حافظه درازمدت : (۱) دانش کلی (۲) دانش خاص

انواع دانش : دانش بیان، دانش شرطی، دانش روندی

حافظه درازمدت :

نکته حفظ اطلاعات از چند دقیقه پس از یادگیری تا تمامی طول عمر را شخص را شامل می‌گردد

نکته گنجایش هیچ محدودیتی ندارد تمامی اطلاعات دریافتی برای همیشه نگه داری می‌گردد البته مشروط به این که بتوانیم اطلاعات مورد نیاز را بیابیم

بزرگ‌ترین محدودیت حافظه درازمدت ماهیت غیرفعال آن است دسترسی به اطلاعات درازمدت مستلزم زبان و زمان و کوشش زیاد است (پدیده بر سر زبان بودن)

نظریه‌های فرایند پردازش اطلاعات

نظریه‌ی سطوح پردازش (کریک و لاکهارت) در حافظه‌های گوناگون سطوح مختلف پردازش را داریم

اطلاعاتی که پردازش نمی‌شوند

اطلاعاتی که فقط تکرار می‌شوند به‌طور سطحی پردازش برای چند ثانیه قابل دسترسی است (حافظه کوتاه‌مدت)

اطلاعاتی که بیشتر پردازش می‌شوند به حافظه‌ی درازمدت راه می‌یابند

در حافظه درازمدت اطلاعات یکسان پردازش نمی‌شوند بسیار سطحی (صرفاً به ویژگی‌های ظاهری)

در سطحی عمیق‌تر (توجه به تلفظ کلمه) و بازهم عمیق‌تر (رمزگردانی معنایی)

نکته نظریه‌ی سطوح پردازش رقیب نظریه مراحل سه‌گانه است

نکته هر چه بیشتر جزئیات یک محرک مورد توجه قرار گیرد از لحاظ ذهنی بیشتر پردازش شده احتمال به یاد آوردن آن بیشتر می‌گردد .

نکته حافظه و یادآوری به عمق پردازش وابسته‌اند

نکته ویژگی مهم نظریه سطوح پردازش تأکید از انبازش را به تأکید بر پردازش تغییر داده

نظریه‌ی سطوح پردازش احتمال بازیابی، تابعی از این‌که رمزگردانی اولیه با چه میزانی از کوشش صورت گرفته و تا چه اندازه معنی‌دار شده است

نظریه رمز دوگانه یا یو یو: اطلاعاتی که قابل رمزگردانی به هر دو صورت تصویری و کلامی هستند آسان‌تر آموخته و به یاد می‌آیند

نظریه پردازش توزیع موازی (لوآند و فسکی و مورداک) نظریه پردازش موازی برخلاف نظریه اتکینسون شیفرن معتقد اطلاعات در سه حافظه هم‌زمان پردازش می‌شوند هر سه بخش حافظه اطلاعات واحدی را با هم پردازش می‌کنند

نکته در نظریه پردازش توزیع موازی از همان ابتدا بلافاصله از اطلاعات موجود درازمدت استفاده می‌گردد.

نظریه پیوند گرایبی (بیتس و المان) به نظریه‌ی پردازش موازی بسیار نزدیک و از نظریه‌های جدید خبرپردازی است دانش در مغز به‌صورت شبکه‌ای از پیوندها ذخیره می‌شود نه به‌صورت نظامی از قواعد یا مخزنی از اجزای اطلاعاتی پراکنده

یادآوری و فراموشی

منظور از فراموشی ناتوانی در یادآوری اطلاعات از حافظه درازمدت است

یادآوری واقعی : اندوزش اطلاعات در حافظه درازمدت

فراموشی واقعی : از بین بردن اطلاعات از حافظه درازمدت

علت حذف اطلاعات از ثبت حسی مهم‌ترین علت بی‌توجهی است

علت فراموشی حافظه کوتاه‌مدت ی (۱) گذشت زمان (۲) محو اثر که به نظریه رد حافظه یا رد یاد

شهرت دارد

علل فراموشی در حافظه درازمدت : (۱) واپس زدن (فراموشی هیجانی)

روان کلوان روش تداعی آزاد برای بازیابی نشانه ها بکار می برند

نکته علت واپس زدن و فراموشی مشکل بازیابی است

بازداری پس گستر: اطلاعات تازه یادگرفته شده با اطلاعات قبلی تداخل و مانع یادآوری اطلاعات قبلی

میشود

بازداری پیش گستر : گاه اطلاعات قبلا اموخته شده باعث میشود نتوانیم اطلاعات تازه یاد گرفته را به یاد

آوریم.

(۳) **مشکلات بازیابی:** آنچه به حافظه دراز مدت سپرده ایم هرگز از بین نمی رود بلکه ناتوانی در به یاد آوری

آن داریم

نظریه سازنده گرایی

ریشه در اندیشه‌های علمی و فلسفی گذشته : ریشه در فلسفه نسبیت‌گرا در مقابل عینیت‌گرا و مطلق‌گرا دارد

ریشه در فلسفه پسا اثبات‌گرایی در مقابل اثبات‌گرایی دارد

دیدگاه‌های سازنده گرایی از پژوهش‌های: **پیاژه، ویگوتسکی، گشتالت، بارتلت، برونر، جان دیوئی**

سازنده گرایی : اندیشه‌ای که طبق آن ادراکات، یادها و سایر ساخت‌های ذهنی پیچیده توسط فرد در ذهن او فعالانه ساخته میشود .

دیدگاه عینیت‌گرا : دانش عینی، خارج از فرد در جهان بیرون، **مستقل از فرد، همان قوانین طبیعی** که غیر قابل تغییرند

دیدگاه نسبیت‌گرا : **واقعیت مستقل از فرد و خارج از ذهن نمی‌دانند** همان چیزی که فرد ادراک می‌کند همان اندیشه‌ها تفسیرها و باورهای فرد است

منظور از سازندگی: **تفسیر امور : نسبت دادن معنی به امور**

نکته سازندگرایی: **یک شناخت‌شناسی و یک نظریه یادگیری است .**

نکته یک تبیین تازه از ماهیت دانش و چگونگی یادگیری انسان بدست می‌دهد

نکته فرد دانش تازه‌ی خود را از طریق تعامل بین آن‌چه از قبل می‌داند و آن‌چه با آن روبه‌رو می‌شود. می‌سازد

یادگیری در نظریه سازنده گرایی: **(یادگیری معنادار)** یادگیری معنادار: خلق فعال ساختار دانش از تجارب شخصی

نکته یادگیرنده در ذهن خودش از تجربیات شخصی خود دانشش را می‌سازد

نکته یادگیری قابل انتقال نیست

نکته دانش حاصل تفسیر و برداشت شخصی فرد از تجارب خودش است

مقایسه سازنده گرایی -- **خبرپردازی**

خبرپردازی فرض اول : یادگیری

یادگیری ، ایجاد تغییر در ساختارهای درونی است

خبرپردازی سنتی: جهان واقعی قابل دانستن است

فرض دوم دانش تعدادی اصول کلی: که در موقعیت‌های گوناگون و یادگیرندگان گوناگون می‌تواند درست تصور کرد

با انتقال دانش موافق است

سازنده گرایی: فرض اول: هیچ دانشی مطلق نیست دانش ساختنی لذا نسبی است

جهان واقعی قابل دانستن نیست

یادگیری فقط در یک زمینه معین یا متن معین رخ می‌دهد

یادگیری و دانش قابل انتقال نیست

مقایسه رفتارگرا ها ----سازنده گرا

فلسفه زیربنایی رفتارگرا ها عینیت گرایی و مطلق گرا هستند

دانش عینی مستقل از یادگیرنده و شامل قوانین طبیعی غیر قابل تغییر است

حقیقت بنا به میزان انطباق دانش با قوانین طبیعت تعریف می‌شود

معنی در جهان هستی وجود دارد

نسبیت‌گرا ها فلسفه زیربنایی نسبیت‌گرا ها پس اثبات‌گرایی است و سازنده گرا هستند

دانش و واقعیت ، برداشت و ادراک انسان از محیط می‌دانند برای آن موجودیتی خارج از ذهن و مستقل از ذهن

قائل نیستند

واقعیت را امری نسبی می‌دانند ، تنها همان چیزی است که در تصورات و ذهن است

معنی به جهان تحمیل می‌شود درحالی‌که در رفتارگرایی گفتیم معنی در جهان هستی وجود دارد

سازنده گرایی روان‌شناختی، فردی، شناختی، درونزاد

خاستگاه اصلی این نوع سازنده گرایی **پیاژه** است پیاژه: دانش از طریق جذب، انطباق و سازمان ساخته می‌شود

سازندگی درونزاد: ساختن دانش تازه از ساخت‌های ذهنی نه از محیط . دانش از طریق فعالیت شناختی، تجرید یا انتزاع به دست می‌آید و یک رشته مراحل قابل‌پیش‌بینی را طی می‌کند
روش آموزش **یادگیرنده محور** است ویژگی‌های یادگیری یادگیرنده محور شامل:

(۱) یادگیری اکتشافی

(۲) فعالیت‌های عملی

(۳) تکالیفی که در فرایندهای فکری و به چالش می‌کشد

(۴) فنون پرسش‌گری

سازنده گرایی برونزاد: از خبرپردازی جدید نشأت می‌گیرد

کسب دانش عبارتست از : **بازسازی:** کسب دانش عبارت است از بازسازی جهان خارج از ذهن توسط یادگیرنده
بازنمایی: بازنمایی ساخت‌های موجود در محیط

درونی سازی: درونی سازی و بازسازی واقعیت بیرونی **جلوی این سه تا جمله آکولاد می‌خوره می‌شه دانش از محیط مشتق می‌شود**

در سازنده گرایی برونزا: یک واقعیت مستقل خارج از ذهن وجود دارد که برای یادگیرنده قابل دانستن است

سازنده گرایی اجتماعی دیالکتیکی

شناخته‌شده‌ترین و پذیرفته‌ترین نوع سازنده گرایی است
خاستگاه این نظریه به ویگوتسکی برمی‌گردد البته متأثر از **برونر و جان دیویی** هم هست ویگوتسکی و برونر هر دو کلید ساختن دانش همان تعاملات اجتماعی بخصوص ارتباط کلامی است
دانش در یک بافت اجتماعی وجود دارد در میان افراد مشترک است

سازنده گرایی رادیکال (قوی)

تأکید زیادی بر نقش یادگیرنده در ساختن دانش دارد
تمام دانش انسان حاصل ادراک است که این ادراک از سازندگی مبتنی بر فعالیت هدفمند بدست می‌آید
همه دانش‌ها نسبی و وابسته به فرد هستند و دانش هر فرد با دانش فرد دیگر تفاوت دارد

نکته سازنده گرایي راديکال: دانش براي انسان يك نقش سازگارانه يا انطباقی ایفا می کند
سوال شناخت یا دانش درونی، کلی و قابل انتقال است یا وابسته به زمان و مکان ؟ سازنده گرایان اجتماعی در
پاسخ ، مفهوم شناخت موقعیتی ، یادگیری موقعیتی یا دانش موقعیتی را مطرح کرده اند
شناخت موقعیتی: دانش و یادگیری نمی توان از بافت موقعیتی آن جدا کرد
آنچه می آموزیم به موقعیت اجتماعی، وابستگی به زمینه و هم به موقعیت خاصی که در آن آموخته
شده گره خورده .

نظریه های انگیزش

انگیزش

دو نقطه نیروی ایجادکننده نگه دارنده و هدایت کننده
رفتار عامل کلی مولد رفتار نیاز یا خواست ویژه ای که انگیزش را موجب می شود
علت اختصاصی رفتار
برای مشخص کردن قصد یا بازده دلخواه یک رفتار به کار می رود
انگیزش از لحاظ پرورشی هم هدف و هم وسیله است
انگیزش به عنوان وسیله به انگیزش به صورت آمادگی روانی که به صورت یک پیش نیاز یادگیری است

رویکرد رفتاری: رفتارگرایان انگیزش را وابسته به کسب تقویت و اجتناب از تنبیه می دانند

اصل لذت جویی شناختی - اصل لذت و درد

منبع انگیزشی شاگردان انگیزانه ها (امشوق) هستند که اشیاء محرکها اشیاء رویدادها یا محرکهای اند که رفتار را برمی انگیزاند یا باز می دارند.

رویکرد شناختی انگیزشها از درون فرد و از اندیشهها سرچشمه می گیرند .

رفتارها توسط هدفها و انتظارات نقشهها نسبت دادنها ایجاد و هدایت می شوند

انگیزش درونی بیشتر از انگیزش بیرونی مورد تأکید است

انگیزش شایستگی: افراد برانگیخته می شوند که به طور مؤثر با محیط خود برخورد و بر محیط مسلط شوند و اطلاعات به طور مؤثر پردازش کنند

منشأ انگیزش درونی: کاری که انجام می دهد نهفته است و در اندیشهها نهفته است

رویکرد انسان گرایی: این رویکرد به جای تأکید بر تقویت و تنبیه، منبع اصلی انگیزش را در

۱- توانایی در رشد شخصی

۲- آزادی انتخاب هدفهای زندگی

۳- ویژگیهای مثبت (حساس بودن نسبت به دیگران) می داند

برای ایجاد انگیزش باید احساس شایستگی، خودمختاری، عزت نفس در افراد افزایش داد

مزلو: نیاز یک حالت ناشی از کمبود یا محرومیت در موجود زنده است

سایق: انرژی یا میل حاصل از نیاز است

نیازها] نیازهای کمبودی - کاستی ← نیازهای اساسی

رشد - بالندگی ← فرا نیازها یا نیازهای خودشکوفایی

نیازهای اساسی شامل (۱) نیازهای فیزیولوژیکی یا جسمی (آب غذا خواب و غیره)

(۲) نیاز به امنیت ایمنی عدم نگرانی خاطر محیطی به دور از تهدید و خطر

(۳) نیاز به محبت عشق دوستی و تعلق خاطر

(۴) نیاز به عزت نفس و احترام به خود (نیاز به قدرشناسی خود و مورد قدرشناسی دیگران قرار گرفتن)

فرا نیازها: بر خلاف نیازهای اساسی که از محرومیت سرچشمه می‌گیرند فرا نیازها نیروی خود را از میل آدمی به رشد و بالندگی کسب می‌کنند

به نیازهای خودشکوفایی تحقق خویشتن معروفند

خودشکوفایی: نیاز فرد برای رسیدن به آنچه که در حداکثر توان و استعداد دارد

کنجکاوی، اشتیاق برای شناخت و یادگیری و کسب حقیقت، دانش‌اندوزی، تجربه کردن درک زیبایی و نظم و هماهنگی

لی فرانسوا: **خودشکوفایی یک فرآیند است نه یک حالت**، فرایند رشد همان شدن و بالیدن است

مزلو **فرا نیازها** یا نیاز به خودشکوفایی تنها در انسان‌های با شخصیت سالم و در یک درصد مردم است

مزلو: انسان کامل: فردی که به بالاترین سطح نیاز رسید

رویکرد اجتماعی-فرهنگی: در این رویکرد منبع انگیزش مهم: بودن با دیگران رابطه دوستانه و متقابل با دیگران است

یکی از انگیزش‌ها در رویکرد اجتماعی فرهنگی **نیاز به پیوند جویی** یا **نیاز پیوستگی** است که معرف انگیزه افراد برای ایجاد ارتباط با دیگران است

رویکرد انتظار ضربدر ضربدر ارزش این رویکرد هم جنبه رفتاری و هم جنبه شناختی دارد

فرمول ارزشش تشویقی موفقیت **×** انتظار **=** انگیزش

انگیزش: مقدار زمان و کوشش یک فرد مایل است صرف کند تا تکلیف را انجام دهد

انتظار سطح انتظار فرد در رابطه با هدفش یا موفقیتش چقدر است (انتظار دارد که حتماً در آزمون قبول شود)

ارزش تشویقی موفقیت: میزان ارزشی که برای انجام کار قائل‌اند فایده و پاداشی که انجام کار نصیبش می‌کند

بندورادر نظریه خود خودکار آمدی یا خود کارآمدی تصویری: باور شخص نسبت به توانایی‌هایش در انجام رفتار به منظور رسیدن به هدف

فرمول انتظار **×** ارزش **=** خودکار آمدی

در فرمول انگیزش هزینه را اضافه کنیم

فرمول = انگیزشی × ارزش × انتظار = انگیزشی

این ارزشی که شخص برای یک تکلیف قائل است هم به برآورد او از ارزش و هم مقدار هزینه‌ای که می‌کند وابسته است

نظریه انگیزش پیشرفت

نظریه انگیزش پیشرفت یا انگیزش موفقیت: میل و اشتیاق برای کسب موفقیت و یا برای شرکت در فعالیتی که موفقیت در آن‌ها و کوشش و توانایی شخص وابسته است فرد با انگیزش پیشرفت سطح بالا بسیار کوشا است بعد از شکست خوردن دست از تلاش بر نمی‌دارد

انگیزش پیشرفت در ابتدا تحت تأثیر تجارب فرد در خانواده است بعد از گذراندن دوره‌های آموزشی موفقیت و انگیزش پیشرفت برهم در اثر می‌گذارند

تکلیف خوب برای افراد] در تکلیف آسان کسب موفقیت برای فرد لذت بخش نیست
با انگیزش پیشرفت بالا تکلیف بسیار سخت معمولاً به شکست منجر می‌شود
تکلیف با درجه دشواری متوسط یا تکالیف چالش‌برانگیز مناسب است

انگیزه اجتناب از شکست : گرایش فرد برای دوری گزیدن از شرمساری یا تحقیر وابسته به شکست

افراد دارای انگیزه اجتناب از شکست: موقعیت‌هایی را ترجیح می‌دهند که در آن‌ها نتیجه کار معلوم است.

در موقعیت‌های نامعلوم مضطرب میشوند و از تکالیف چالش بر انگیز می‌گریزند.

نظریه نسبت دادن واینر نظریه اسنادی واینر: چگونگی ادراک و تفسیر فرد از علت های موفقیت و شکست تعیین کننده اصلی انگیزش است

جنبه‌های علل موفقیت و شکست ۱- مکان کنترل : منبع علت موفقیت و شکست در رابطه با فرد درونی یا بیرونی است .

۲- وضعیت پایداری : ثابت یا متغیر بودن علت موفقیت یا

شکست (پایدار یا ناپایدار)

۳- کنترل پذیری علت موفقیت و شکست در اختیار فرد قرار دارد یا

خارج از اختیار فرد (قابل کنترل یا غیر قابل کنترل)

نکته از میان جنبه های سه‌گانه نسبت دادن مفهوم منبع (مکان) کنترل جای مهمی دارد

نظریه مکان کنترل جولیان راتر افراد در رابطه با منبع کنترل دو دسته اند:

دسته اول: موفقیت‌ها و شکست را به شخص خود نسبت داد پس به تلاش و توانایی خود نسبت می‌دهند (مکان کنترل درونی)

دسته‌ی دوم موفقیت‌ها و شکست‌ها را به عوامل محیطی نسبت داد به سطح دشواری تکلیف، بخت و اقبال نسبت داد (مکان کنترل بیرونی)

نکته افراد مکان کنترل درونی رویدادهای مثبت زندگی را در نتیجه‌ی برنامه ریزی دقیق و کوشش پیگیر خود می‌دانند اینان کنترل زندگی خود را شخصاً به‌عهده دارند برای مهارت‌ها و توانایی خود ارزش قائلند

افراد مکان کنترل بیرونی هیچ‌گونه علت و معلول ندارند بر این باورند که رفتارها و مهارت‌های آنان برای تقویت‌هایی که دریافت می‌کنند چندان تأثیری ندارد برای کوشش‌های خود ارزشی قائل نیستند

رابطه‌ی بین اسناد های مختلف و پیامدهای عاطفی

یکی از پیامدهای نسبت دادن‌های علی در رابطه منبع کنترل، رابطه منبع کنترل با احساس احترام به خود و عزت‌نفس است

وقتی پیامدهای مثبت رفتار و موفقیت را به علت‌های درونی نسبت می‌دهیم در شخص احساس غرور و عزت‌نفس احترام به خود ایجاد می‌شود

پیامدهای مثبت رفتار را وقتی به علل بیرونی نسبت می‌دهیم احساس غرور و عزت‌نفس نخواهیم داشت .

مفهوم خود مفهوم خود یا خودپنداره یادگیرنده به الگوی نسبت دادن‌های او وابسته است شخصی که برای موفقیت مکان کنترل درونی ، و برای شکست‌هایش منبع کنترل بیرونی قائل است با تکالیف با نوعی مفهوم خود مثبت برخورد می‌کند

نکته خود تحصیلی منفی باعث درماندگی آموخته شده می‌شود

نسبت دادن‌های علی تا حدودی تعیین کننده پیامدهای عاطفی موفقیت و شکست است

نکته منبع کنترل بر پیامدهای عاطفی و هیجانی ناشی از بازده های پیشرفت تأثیر دارد

تأثیر پایداری اسنادها ————— تغییر انتظار برای موفقیت و شکست است

تأثیر و کنترل پذیری به مجموعه هیجانان و عواطف منجر می‌شود

اسنادهای تحت کنترل خود شخص ————— به احساس شایستگی اطمینان و گناه منجر

استندهای زیر کنترل دیگران ————— به احساس قدرشناسی و خشم منجر می‌شود.